

کانون وکلا

سال دهم

بهمن و اسفند ماه ۱۳۳۷

شماره ۶۴

علی فتحی پور وکیل دادگستری

کانون وکلای فرانسه

قسمت دوم - تشکیلات و مقررات کانون^(۱)

اقتباس از پیرسیره^(۲)

تاریخچه کانون وکلا - سن یوه « St. Yves » که در سال ۱۲۵۳ میلادی متولد شده اولین بنیان گذار وکالت دادگستری در فرانسه است. وی ابتدا کارمند رسمی یکی از مؤسسات بود و ضمناً بطور انتخاری از حقوق ضعفا و ستمدیدگان دفاع مینمود و در آخر عمر از هر کاری کناره گیری و رهبانیت اختیار کرد. در قرن پانزدهم میلادی نمایشنامه خنده آوری نوشته شد که ضمن آن طرز رفتار و مشخصات اخلاقی مترپاتلین « Maître Patelin » را که حقوقدانی فوق العاده بی احتیاط بوده جسورانه با مدافعات خدعه آمیز خود موجبات اغوا و گمراهی قضات را فراهم مینمود. نشان داده شده بود!

بعهدا این کمندی هجوآمیز حقیقتی را ارائه نمیدهد زیرا شعر و ادب همیشه با قضات و حقوقدانان در همه مسائل یک پیدی رفتار کرده است. مسلم است که قانون بیان اخلاق و عادات اکثریت افراد جامعه است و مقدسین علیه اجتماع را بکیفر میرساند بنابراین خواه ناخواه همواره خود و مجریانش عده ای مخالف دارند.

سن لوئی (لوئی نهم - پادشاه فرانسه) در سال ۱۲۷۰ میلادی بر سبنای حقوق رم قانونی را وضع کرد که یک فطیل از آن تحت عنوان « رفتار وکیل در دادگاه » بود.

۱ - قسمت اول این مقاله در شماره ۶۱ مجله کانون وکلا درج شده است.

۲ - وکیل محاکم استیناف شهر بردو Bordeaux و رئیس سابق کانون وکلای این

کانون وکلای فرانسه

این مقررات که آخرین اثرش در فرمان فیلیپ لوبل «Philippe Le Bel» در سال ۱۲۷۴ میلادی ظاهر گردید وکیل را ملزم مینمود که خود را بروش شرافتمندانه ای مقید سازد :

طبق این مقررات کلام وکیل از طرف موکلش ادا میشود و نباید بسبب آن مورد اهانت و بی‌احترامی قرار گیرد.

وکیل مستقیماً یا بطور غیرمستقیم نباید در دعاوی مطروحه با موکل خود شریک شود.

وکیل باید قسم یاد کند که قضایای مرجوعه را بادقت و کوشش تمام وازروی کمال وجدان بپذیرد بطوریکه فقط قبول وکالت در طرح دعوی یا دفاع قضایائی را بنماید که اطمینان کافی بواقعیت و حقیقت آنها داشته باشد.

وکیل وقتی احساس کند وکالتی را که پذیرفته است عادلانه نیست باید باشهامت از آن استعفا کند.

در سال ۱۲۷۴ میلادی حق الزحمه وکلا طبق تعرفه ای که متناسب با اهمیت دعوی و مهارت وکیل بوده تعیین شده است و تا امروز هم چنین تعرفه ای موجود است. نکته قابل توجه اینستکه در انگلستان وکلا در تشخیص ابتدائی‌ترین وظیفه خود بخطا رفته اند.

مضمون مقاله آقای ویلیام و . بولتون^(۱) در این باره اینست که از اواخر قرن هیجدهم میلادی تا بحال وکلای انگلستان حق ندارند دعوائی را که بآنان ارجاع میشود رد نمایند و نپذیرند اعم از اینکه بحق یا بناحق باشد.

و حال آنکه در حقوق فرانسه یعنی بین وکلای دادگستری این کشور عکس این قاعده حکمفرما است.

مغایرت‌های دیگری نیز بین مقررات کانون وکلای انگلستان و فرانسه وجود دارد اما بطور کلی رسوم و آداب مربوطه بوکلا و مشاورین حقوقی در فرانسه و انگلستان بموازات یکدیگر تکامل یافته است و برآستی « اگر جز این بودی عجب نمودی » زیرا حکومت‌های فئودال اروپای غربی از نظر عادات و رسوم هم بستگی و آمیختگی داشته اند. قرابت و خویشاوندی افراد - شرایط ناشی از جنگ - زناشویی و سایر روابط اجتماعی باعث گردیده است که دادخواهی و دادگستری در دو کشور مزبور به یکسان انجام گیرد.

بعلاوه از قرن یازدهم میلادی ببعده کشور انگلستان تحت سیطره و نفوذ حکومت نورمان‌ها بود که بسرعت سرزمین وسیع الینور « Eleanor » را متصرف شدند. پادشاهان که از مهمترین منابع قانون دو کشور محسوب بودند از یک دودمان سلطنتی بوده اند و این حقیقت بر عرف و عادت و مقررات حقوقی آندو و سایر منابع قانونی نیز سایه انداخته است.

کانون وکلای فرانسه

در اثنای قرن چهاردهم میلادی در فرانسه و انگلستان تقریباً همزمان بایکدیگر طبقه ای از حقوقدانان بوجود آمدند که وظیفه آنان اقامه دعوی نبود بلکه نماینده مشاور اصحاب دعوی بودند. این طبقه را در انگلستان آتورنی «Attorney» و در فرانسه پروکورر «Procureur» می نامیدند و امروز آنان را در انگلستان «سلی سیتور» «Solicitor» و در فرانسه آوئه «Avoués» مینامند.

در انگلستان تعداد مشاورین حقوقی «Solicitors» چند برابر وکلا افزایش یافته است (۱۷۰۰۰ تن مشاور حقوقی در مقابل ۲۰۰۰ تن وکیل دادگستری)^۱ اما در فرانسه تعداد مشاورین حقوقی بموجب قوانین خاصی محدود مانده و حوزه فعالیت آنان نیز فقط بمناطق معینی از کشور محدود گردیده است. بهر حال وجود مشاورین حقوقی در انگلستان و فرانسه دستة دیگری از حقوقدانان را که وکلای دادگستری باشند مشخص و بارز میسازد که بغلط یا بدرست ارزش اجتماعی آنان را کمتر از مشاورین حقوق می پندارند.

موضوع جالب توجه دیگر در مورد وکلای فرانسه تشکیل یافتن کانون مقدر و متشکلی از حقوقدانان آن کشور است که اگرچه توسعه جامعۀ علمی وکلای انگلستان را نیافته است معهداً بی شباهت به یک دستگاه علمی نیست.

فرمان فیلیپ ششم که در سال ۱۳۲۷ میلادی صادر گردید وظایف اعضای این جامعه را معین ساخته است.

نظامنامه این فرمان که در سال ۱۳۴۴ میلادی تدوین شده است جزئیات آن را روشن ساخته و سلسله مراتب افراد را در کانون تعیین نموده است.

رئیس کانون وکلای فرانسه را رئیس مستشاران «Consiliarii» می نامیدند. این عنوان را نه فقط از این لحاظ که طرف شور مراجعین قرار میگرفت یافته بود بلکه از آن حیث که در غیبت مستشاران بعضی از محاکم افتخاراً را بجای آن مستشاران برمسند قضا می نشستند :

بعداً طبقه وکلای شاغل «Proponents» بوجود آمدند و بالاخره نوآموزان یا مستمعان «Audients» و «Novi» که همان کارآموزان «Stagiers» امروزی هستند و وظیفه ایشان فقط استماع بیانات وکلای سابقه دار و فرا گرفتن فنون مربوطه است بوجود آمدند.

این مقررات طی دو فرمان یکی فرمان اگوست صادره در سال ۱۴۲۴ میلادی و دیگری فرمان هنری ششم^(۲) پادشاه انگلستان صادره در سال ۱۴۲۵ میلادی تدوین گردیده است.

۱ - رجوع به سطر ۴ صفحه ۴۰ مجله کانون وکلای شماره ۴۷.

۲ - هنری ششم پادشاه انگلستان مقارن این زمان بمناسبت ازدواج و بر اثر مغلوب ساختن

فرانسه برای مدت کوتاهی بر این کشور حکومت داشته است.

کانون وکلای فرانسه

با آنکه وکلای دادگستری دسته مشخصی از حقوقه‌اتان بودند، معهدا تشکیلاتی نداشتند، تنها عملاً یک سلسله عادات و رسوم یکسان و متحدالشکل بر آنان حکومت داشت. وکلای فرانسوی با تأسی بهمکازان انگلیسی خود آزادانه قوانین و مقرراتی را که موجب حفظ حیثیت و شرافت و تأمین نظام اجتماعی آنان بود وضع میکردند.

اخوت و برادری و ابستگان بمحاکم که از تعلیمات دین مسیح سرچشمه میگرفت در نمازگاه سن نیکلا «St. Nicholas» در اوایل سال ۱۳۴۲ میلادی پایه گذاری و بنیان ریزی شد. باین ترتیب که دسته ای از وکلا و مشاورین حقوقی تحت ریاست یکی از همکاران خود که «Bâtonnier» یعنی چوب بدست (۱) نامیده میشد گرد آمده بودند. در بادی امر اداره این جمع بعهدۀ مسن ترین و معمرترین افراد بود ولی در اواخر قرن شانزدهم میلادی اداره آن برعهده یک هیئت انتخابی قرار گرفت که انتخاب آن باخود وکلا و از میان آنان بود.

با گذشت زمان بر قدرت معنوی این رئیس (چوب بدست) «Bâtonnier» افزوده شد.

بعلاوه در قرن هیجدهم میلادی کمیته ای از وکلای معمر و سالخورده تشکیل شد که دارای عنوان رسمی بودند و در واقع این کمیته منشاء هیئت مدیره کانون وکلای امروز «Conseil de l'ordre» فرانسه میباشد.

رفته رفته کانون وکلا نفوذ و اهمیت قابل توجهی پیدا کرد بطوریکه انقلاب سیاسی سال ۱۷۸۹ میلادی که نه تنها در کشور فرانسه بلکه در اروپا و بسیاری از کشورهای جهان مؤثر واقع شد تحت نفوذ کانون وکلای آن کشور قرار گرفته بود.

با همه اینها بعضی از وکلای قدیمی فرانسه راه سابق خود را در پیش داشتند و از اینرو ریوند دومز «Reymonde de Seyze» وکیل قدیمی پارلمان بر دو «Bordeaux» با کمک و همکاری ترانشه «Tranchet» و مالس هرب «Malesherbes» در مقابل کنوانسیون با احتمال خطر مرگ از لوئی شانزدهم پادشاه آن کشور دفاع کرد.

ناپلئون نسبت بوکلای دادگستری خوش بین نبود و می گفت «وکلا عناصر آشوب طلبی هستند» و به آنان «هنرمندان جنحه و جنایت» خطاب میکرد و میگفت «اگر امکان داشته باشد زبان وکلایی را که علیه حکومت سخن میرانند قطع میکنم» با اینهمه وی بوسیله فرمان صادره در سال ۱۸۱۰ میلادی وضع وکلای دادگستری را تثبیت کرد. دیباچه فرمان مزبور با این کلمات آغاز میشود:

«وکالت یکی از مشاغلی است که احتیاج به سرمایه شرافت، دقت فوق العاده، بیغرضی، صلح طلبی، عشق به حقیقت جوئی، اشتیاق روشنفکرانه بدستگیری از بیچارگان و افتادگان دارد.»

۱ - وجه تسمیه این بوده است که وقتی حرکت دسته جمعی میکردند چوب بلندی را که نشان مقدس (صلیب) از آن آویزان بوده است حمل می نموده است.

کانون وکلای فرانسه

قریب یکصد سال مقررات مختلف و آداب و رسوم گوناگون بر یکدیگر انباشته شده بکمک کوششهای زیادی که وکلای فرانسه بمنظور تدوین آنها بعمل آوردند قوانین و مقرراتی را که امروزه در کانون وکلای فرانسه مخصوصاً در کانون وکلای پاریس حکمفرما است بوجود آوردند.

وضع این قواعد ملی مصوبات مختلفه ای بوده است که از آنجمله می توان مقررات مصوبه در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۴۱ و دهم آوریل ۱۹۵۴ میلادی را نام برد.

در دنیای مرقی امروز کانون وکلای فرانسه هنوز هم در حال پیشرفت و تکامل است و معهدنا کوشش دارد بدون آنکه هدف های اساسی خود را از دست بدهد با زندگی امروزی هم آهنگی پیدا کند.

تعجب آور نیست اگر بگوئیم این ترقیخواهی مواجه با اشکالات عدیده ای بوده است زیرا هر کس در هر قرضی زیست میکند مجذوب پیشرفتهای عصر خود شده نمیتواند تصور تغییر و تکامل بیشتر آن را بنماید.

استقلال وکلای دادگستری

مهمترین اصول قانونی فرانسه در مورد وکلا استقلال تشکیلات صنفی است. وکیل در کشف حقیقت سهمی از وظیفه قاضی را بعهده دارد از اینرو باید دارای فکری آزاد و پرکنار از هرگونه انقیاد باشد.

وکلای فرانسه از قبول مشاغل مهم اداری و مناصب عمومی ممنوع هستند معهدنا می توانند استاد دانشگاه، نماینده مجلس یا وزیر شوند ولی در صورت اخیر معمولاً حق تعقیب دعاوی را ندارند.

صرفنظر از این مستثنیات قاعده استقلال وکلا اطلاق دارد. بنا بر این وکیل نمیتواند رئیس یا مدیر مؤسسه ای که دارای تعهدات مالی و تجاری است بشود. در عمل تخلف از این مقررات کمتر مشاهده میشود و متخلفین بوسیله کانون وکلا جداً مورد تعقیب و مجازات واقع میگرددند.

طبق رسم و عرف و عادت که از قرن نوزدهم میلادی بعد در کانون وکلای فرانسه معمول و متداول گردیده است (وقبل از آن سابقه نداشته) وکیل فقط میتواند در دادگاه طرف موکل خود در دادگاه طرح دعوی نماید ولی حق حضور در دادگاهها و تعقیب دعاوی را دارا نبوده است زیرا این عمل از وظایف اختصاصی مشاورین حقوقی «Avoués» شناخته شده و تخطی از آن جایز نبوده است.

با اینهمه در محاکم فرانسه وظیفه مشاورین حقوقی محدودتر از انگلستان است باین معنی که در محاکم شهرستان و استان مشاورین حقوقی با وکلا متفقاً حضور می یابند و در سایر محاکم حضور مشاورین حقوقی اختیاری است.

تعداد مشاورین حقوقی در فرانسه نسبت بوکلای دادگستری آن کشور ناچیز است (۱۹۱۳ تن مشاور حقوقی در مقابل ۵۸۰۰ تن وکیل).

کانون وکلای فرانسه

امروزه وکلای فرانسه علاوه بر آنکه از طرف موکلین خود طرح دعوی میکنند در محاکم هم بنماینده‌گی آنان حضور می‌یابند. قانون بوکلا نه تنها این حق را داده بلکه گاهی هم آنان را مجبور با اجرای این ترتیب می‌نماید.

در انگلستان وکلا و مشاورین حقوقی با همکاری یکدیگر در محاکم حاضر میشوند در فرانسه چون نمیتوان همیشه از موکل درخواست کرد که با وکیل در دادگاه حاضر شده بمنزله مشاور حقوقی راهنمای وی باشد وکلای مبرز پیدا شده‌اند که در عین حال هم نقش مشاور حقوقی وهم وظیفه وکیل را ایفا و اجرا می‌نمایند با این ترتیب مسئولیت وکلای فرانسه نسبتاً بیشتر است و چون استقلال یکی از نتایج آزادی است و آزادی در نتیجه قبول مسئولیت حاصل میشود بنا بر این استقلال وکلای فرانسه بیشتر از انگلستان است. یکی از صفات متمیزه وکلای فرانسه و انگلستان اینستکه وکلای کشور اخیر در نتیجه یک سلسله استدلالات بخود اجازه نمی‌دهند از قبول وکالتی که بآنان ارجاع شده است خودداری نمایند.

بعقیده وکلای انگلستان بمنظور کمک به حسن صیانت نفس موکل در زیر سایه آزادی دفاع و احترام بقضات از هر قسم مدافعه‌ای نباید فرو گذاری کرد در صورتیکه وکلای فرانسه چنین استدلالی را نمی‌کنند.

وکلای انگلستان خود را براننده تا کسی تشبیه می‌کنند که هر عابری را مجبور است سوار کند بدیهی است این درجه از حیا و محجوبیت برای یک وکیل افراط آمیز است.

وکلای انگلستان بنوازنده‌ای شباهت دارند که برخلاف تمایل خویش قطعه موسیقی ناموزونی را که آهنگ ساز دیگری آنرا ساخته است مینوازند.

در فرانسه صرفنظر از موارد استثنائی حتی گاهی هم که وکالت معاضدتی یا تسخیری از طرف کانون وکلا یا محاکم بوکلا ارجاع میشود حق دارند از قبول آن خودداری کنند و قطعه موسیقی ناموزونی را که دیگری ساخته است نوازند وکلای فرانسه مدعی نیستند که بهتر و برتر از وکلای انگلستان ولی همیشه از این آزادی عقیده و استقلال دلشاد و راضی میباشند.

صلاحیت و شایستگی

لازمه این آزادی و استقلال تشخیص صلاحیت خاصی است که باید وکلای دادگستری آنرا دارا باشند. وکلا از وابستگان بلا فصل دستگاه قضائی کشور و مورد احترام عموم میباشند.

از قدیم الایام قوانین متعددی در مجالس قانونگذاری فرانسه مربوط بوکلا بتصویب رسیده است که نتیجه آنان را بر علمای حقوق، مشاورین حقوقی، سردفتران و اطبا رجحان و برتری بخشیده است.

کانون وکلای فرانسه

حتی وکلای مدعی شده اند که بسیاری از شئون وکالت ایجاد صفت نجابت و شرافت « Ipso Facto » برای آنان کرده است. اگرچه ممکن است بین وکلای افراد ناپایی پیدا شود ولی موقعیت فنی و شغلی آنان همیشه مورد احترام خاص و عام بوده است وکلای بخاطر حفظ شرافت صنفی و حیثیت اجتماعی خود وقتی مقررات ممنوعیت آنان در معاملات بازرگانی وضع شد با آغوش باز آنها را پذیرفتند و کاملاً محترم شمردند. وکیل دادگستری نمیتواند براتی را قبولی بنویسد زیرا ممکنست در اثر عجز از پرداخت عایه وی پروتست شود یا دعوی ورشکستگی وی اقامه گردد که نتیجه موجب هتک حیثیت وکلا است.

یکی از شئون وکالت در فرانسه اینستکه وکیل باید از مراجعین خود فقط در دفتر کارخویش پذیرائی نماید. با آنکه کانون وکلای نظارت در حسن اجرای این قاعده دارد معهدا عمل بدان همیشه سهولت انجام نمی پذیرد.

مراجعینی که دارای شخصیت و مقام اجتماعی خاصی هستند وقتی که میخواهند با وکیلی تماس بگیرند زیر این بار نمیروند که نزد او در دفتر کارش حاضر گردند. زیرا وکلا غالباً یا از آنان جوانترند و یا از هر حیث در مقام اجتماعی پائین تر از مراجعین مزبور قرار دارند اخیراً تشخیص داده شده که وکیل دادگستری را نمی توان مقید به این قاعده ساخت بعلاوه وکلا از قدیم اجازه داشته اند که از مراجعین بیمار و بستری خود در منازل آنان ملاقات کرده مشاوره لازم را انجام دهند.

تجسس در پی موکل و واسطه قراردادن در امور وکالتی منافی با شان وکیل است و بمنظور جلوگیری از این عمل کانون های وکلای فرانسه مقررات مختلفی وضع کرده اند:

وضع خارجی دفتر وکالت و حتی مکتوبات روی اوراق رسمی وکلا نباید زننده و سبک یا آمیخته با تبلیغات باشد در مورد تبلیغ امور وکالتی مشکل مهمی پیدا نشده است معهدا کانون های وکلا همیشه گرفتار مزاحمت هایی هستند که از جهت تبلیغ در مطبوعات حاصل میشود.

واضح است که ممانعت جراید از انتشار قضایای حقوقی و مخصوصاً شرح محاکمات جنائی مشهور تقریباً غیر ممکن است ولی گاه اتفاق می افتد که مندرجات جراید بمنظور اشتها یا تبلیغ برای وکیلی انتشار می یابد.

خط فاصل شایعات و حقایق را در مندرجات مطبوعات باشکال میتوان تشخیص داد از اینرو بطریق اولی نمیتوان فهمید که منظور از درج آن خبر هیاهوی روزنامه نگاری بوده است یا شهرت طلبی فاقد احتیاط و حزم وکیل.

بهر حال ممنوعیت های فوق قواعد مشکل و شدیدی هستند که در اساس آنها بحثی نیست و مقامات انتظامی وکلا کوشش فراوان در حسن اجرای آنها را دارند.

محدودیت های وکلا:

حق جوئی و عدالتخواهی را نمی توان مشروط و مقید به قرارداد ساخت. از اینرو

قانون وکلای فرانسه

وکلاهای فرانسوی جداً از تنظیم قرارداد، هائی که متضمن شرکت در مدعی به دعاوی است ممنوع میباشند. اخیراً کانون های وکلای فرانسه علیه کار گزارانی «Agents d'affaires» که مصدومین حوادث اتومبیل را دعوت می کردند و با اخذ پورسانت از عمده ای از خساراتی که قابل جبران است اقامه دعوی علیه مقصرین می نمودند اقداماتی بعمل آوردند.

قانون فرانسه این اعمال را که مخالف شئون اخلاقی است منع می کند زیرا نتیجه چنین اعمالی استثمار بیچارگان و سلبه ساختن دادگستری خواهد بود.

بسیاری از کانون های وکلای فرانسه با آنکه چنین اعمالی را جرم مستوجب مجازات خاصی نمیدانند معهداً باعضای خود توصیه می کنند که از همکاری با این قبیل اشخاص و قبول کارهای وکالتی آنان خودداری نمایند.

در فرانسه بجز در ناحیه آژاس ولون که مقررات خاصی مجری است حق الزحمه وکلا تابع تعرفه معینی نیست. حق الزحمه معمولاً براساس سه عامل تعیین میشود.

اول میزان زحمتی که وکیل بمنظور انجام دادن آن قبول وکالت میکند.
دوم اهمیت موضوع وکالت.

سوم مقام و معروفیت و موقعیت علمی و اجتماعی وکیل.

ولی باید دانست که عامل مهم دیگری هم هست که غالباً از حق الزحمه وکیل میکاهد و آن میزان قدرت و استطاعت مالی موکل است.

غالباً حتی در قضایای مشکل و غامض هر چند هم وکیل سبز و معروف و مشهور باشد مجبور میگردد از موکل محتاج و فقیر خود حق الزحمه جزئی و ناچیزی اخذ کند و بهر حال قسمت عمده ای از موکلین هستند که دفاع از آنان کاملاً مجانی و بلاعوض و باصطلاح تسخیری است.

در محاکم تشکیلات مخصوصی وجود دارد که تشخیص میدهند مستلفی تعیین وکیل تسخیری دارای تمکن و استطاعت جهت انتخاب وکیل هست یا خیر که در صورت اخیر حق استفاده از وکیل مجانی را دارا خواهد بود.

وکلا حق ندارند در چنین موارد مطالبه حق الزحمه ای از موکل خود نمایند.

مدت ها تصور میشد که در سیستم قضائی فرانسه وکلا باید افتخاراً انجام وظیفه نمایند ولی تحمیلاتی که از این حیث بردوش وکلا شد باندازه ای نبود که قدرت تحمل آن را داشته باشند.

حق استفاده از وکیل تسخیری در امور جزائی برای متهمین حقی مسلم است و طبق تقاضای آنان مورد استفاده قرار می گیرد غالباً وظیفه دفاع تسخیری از طرف رئیس کانون بطور غیر رسمی برعهده وکلای جوان محول میشود که ضمناً تمرین مهمی برای آنان میباشد و میتوانند بدینوسیله اولین گامهای ترقی خود را بردارند و از این رهگذر کسب شهرت کنند.

اما در قضایای مشکل و مهم گاهی بانتخاب رئیس کانون وکلای مشهور مسن و سبز هم بعنوان وکیل تسخیری تعیین میشوند. مثلاً در قضیه پریلهوی اتهام ارادور سورگن

کانون وکلای فرانسه

« Oradue - sur - Glainé » در محکمه نظامی شهر بردو « Bordeaux » دوتن از رؤسای سابق کانون آن شهرستان بوسیله رئیس وقت کانون وکلا بعنوان وکیل تسخیری معرفی شدند که از متهم دفاع نمایند. محاکمه مزبور یکشنبه تمام صبح و عصر بطول انجامید. قبل از تصویب قانون ۲۱ دسامبر ۱۹۵۷ برای وکلای فرانسه فوق العاده مشکل بود که حق الوکاله خود را از موکلینی که نمیخواستند آنرا بپردازند بوسیله طرح دعوی در محکمه دریافت دارند معهدنا این مشکل کمتر پیش آمد میکرد و معمولاً وکلا با موکلین خود حق الوکاله را بتراضی یکدیگر تعیین و پرداخت کرده و می کنند. مخصوصاً در مواردی که وکیلی از جمله وکلای مشهور و سبرز باشد بندرت اتفاق می افتد که بین او و موکلش بر سر تعیین میزان حق الزحمه اختلافی حاصل شود معهدنا در چنین مواردی حل اختلاف با کانون وکلا است و معمولاً وکلا و مراجعین آنان نظر کانون را بدون کم و کاست می پذیرند.

شرکت چند وکیل

قواعدی که ذکر شد اساسی ترین مقرراتی است که بر شئون وکالت و استقلال وکلا و محدودیت های آنان و وارستگی ایشان از بود طلبی حکومت دارد معهدنا مقررات دیگر نیز وجود دارد که کم اهمیت ترند. اخیراً اجازه داده شده است که تحت نظر کانون دو یا چند وکیل با حفظ کلیه مقررات انضباطی بایکدیگر شرکتی تشکیل بدهند. معهدنا شرکت در کار وکالت دامنه وسیعی پیدا نکرده است زیرا فن وکالت بیشتر جنبه تخصصی و انفرادی دارد با اینهمه نمیتوان گفت این تحول که یاوضع اقتصادی زبان متناسب و موجب تقلیل در هزینه است در آتیه مورد استقبال واقع نخواهد شد.

با آنکه طبق قوانین مدنی با فوت وکیل موج مشتریان وی نیز محو و نابود میشود معهدنا بسیار اتفاق می افتد که مشتریان وکیل را دیگری بارت ببرد. گاهی این وراثت ناشی از رابطه کارآموزی است که بین وکیل سرپرست و کارآموز فوق العاده صمیمانه و نزدیک است. کمتر موردی یافت میشود که وکیل جوان و تازه کاری صرفاً در اثر پشتکار و زیرکی خود موفق به کسب شهرت گردد.

جنبه عملی وکالت

بمنظور تکمیل اطلاعات مربوط بوضع کانون وکلای فرانسه باید متذکر شد که عنوان وکیل در فرانسه فقط اسم بی مسمائی نیست. وکالت وظیفه ای اجتماعی است که وکیل باید طبق رسوم معموله و مقررات جاریه مملکتی آنرا بنحو احسن انجام دهد و بدیهی است با ترك این تکلیف فاقد عنوان خود نیز خواهد گردید.

این قاعده باندازه ای توسعه یافته است که حتی اگر وکیلی در شهر اقامتگاه معینی ندارد هر چند هم عضو کانون وکلا باشد نام وی از تابلو وکلا حذف میگردد.

کانون وکلای فرانسه

همین عمل درباره وکیلی نیز که معلوم شود به شغل وکالت اشتغال ندارد اجرا می‌گردد مع هذا این قاعده در مواردی استثنا پذیر است.

مصالح اجتماعی کانون وکلای گاهی اقتضا میکند که رعایت اصل فوق را نمایند. نظارت کامل بر درآمد وکلا در شهرهای بزرگ و مخصوصاً در پاریس امکان پذیر نیست بعلاوه امروزه وکلا آن اندازه گرفتاری مالی و احتیاجات مادی دارند که فقط تعداد کمی از آنها می‌توانند با درآمد وکالتی امرار معاش نمایند از اینرو در اجرای این قاعده سخت‌گیری نباید کرد.

استقلال کانون وکلا

با توجه بمراتب بالا وکلای که نام آنان در صورت اساسی وکلای که از طرف کانون انتشار می‌یابد درج شده وکلای شاغل بکار محسوبند.

در فرانسه کانون‌های وکلا دارای استقلال داخلی میباشند. مطابق قانون ۱۰ آوریل سال ۱۹۰۴ میلادی:

« وکلای که در حوزه دادگاههای استان یا محاکم شهرستان مستقل بکار وکالت اشتغال دارند میتوانند جامعه رسمی وکلا « Ordre des Avocats » را تشکیل دهند » از اینرو تعداد زیادی از اینگونه جوامع وکلا در شهرهای مختلفه فرانسه وجود دارد.

جامعه وکلای پاریس بیش از دوهزار نفر عضو دارد. در بعضی شهرهای کوچک عده اعضای جامعه وکلا ممکنست بسیار کم باشد. جامعه ملی وکلا « Association Nationale des Avocats » و مجمع رؤسای کانون‌های وکلا « Conférence des Bâtonniers » با آنکه ذاتاً عنوان رسمی ندارند همیشه کوشا هستند که منافع عمومی وکلا را در سطح عالی و جالب توجهی حفظ نمایند.

هدف اتحادیه وکلای جوان « Union des Jeunes Avocats » هوشیار داشتن شوراهای عالی کانون وکلا است.

سازمان اداری

تعیین رؤسای کانون‌های وکلای فرانسه بطرز اشرافی و قدیمی است. وکلا ممکن است مانند هم میهنان خود آزاد بخواه و استقلال طلب باشند اما ترتیب قانون اساسی آنان که بی شباهت بقانون اساسی شهر و نیز نیست اگر چه ممکن است با عقاید عمومی مردم دنیای امروز مابینت داشته باشد مع هذا هیچگاه مورد انتقاد وکلا یا افکار عمومی قرار نگرفته است.

در کانون‌هایی که تعداد اعضا از بیست تن افزایش دارد مجمع عمومی وکلا امور مختلفه را در کمیسیونهای متشکله حل و فصل کرده تصمیم نهائی و قطعی را موکول بموافقت و تصویب شورای کانون مینمایند یعنی شورای مزبور دارای قدرت مطلقه است.

کانون وکلای فرانسه

این شورای بوسیله مجمع عمومی وکلا انتخاب میشود که در کانون‌های مهم فقط جلسات خود را بمنظور اخذ رأی تشکیل میدهد.

در کانون‌های کوچکتر که تعداد اعضا از شش وکیل کمتر است محاکم مدنی بصورت شورای کانون میباشند.

تمام کانون‌ها اعم از بزرگ و کوچک رئیس را از میان خود انتخاب میکنند. رئیس کانون شورای کانونی را که بر آن ریاست دارد جهت اتخاذ تصمیمات مقتضی دعوت میکند و تصمیم مصوبه آنرا بموقع اجرا میگذارد از اینرو رئیس مظهر شخصیت کانون است.

اعمال کنترل علمی بروکلای جوان دادگستری از طریق تربیت کارآموزان « Stagers » و حاکمیت مؤدبانه و مؤثری بروکلا از وظایف مهمه ریاست کانون میباشد. در کانون‌های وکلای مهم تر مسئولیت روسا سنگین تر است مدت ریاست دوسال است. پوانکاره « Poincaré » رئیس جمهور سابق فرانسه پس از انتخاب به عالیترین مقام خود باینکه زمانی ریاست کانون وکلای پاریس را داشته است افتخار میکرد.

شورای کانون تحت ریاست رئیس کانون تمام امور مربوطه را انجام میدهد و اعمال قدرت وی در عین حال که جنبه اداری دارد انضباطی هم هست.

در زمینه امور اداری شورای کانون هم بروکلای قدیم و هم بروکلای که جدیداً به شغل وکالت میخواهند اشتغال ورزند نظارت دارد و اسامی وکلای موجود و کارآموزان را با انتشار صورت چاپی مشخص و معین میسازد.

کانون وکلای فرانسه حق و اختیار دارد از ورود کارآموزان جوان یا بقای وکلای قدیمی که صلاحیت و شایستگی وکالت را ندارند جلوگیری بعمل آورد ولی تصمیمات شورای کانون و صدور پروانه‌های وکالت و اعطاء امتیازات خاص وی ممکن است در دادگاه استان که نظارت بر اعمال آن دارد مورد شکایت قرار گیرد.

کارآموزان

کارآموزان « Avocats stagiers » از میان واجدین درجه لیسانس حقوق « Licenciés en droit » که تصدیق صلاحیت شغل وکالت را بدست آورده اند و سوگند لازم را یاد کرده اند انتخاب میشوند.

تشریفات سوگند در مقابل رئیس عالی‌ترین محاکم استیناف انجام میگیرد. کارآموز بوسیله رئیس کانون معرفی میشود و سوگند یاد می‌کند که :

هیچگاه نه در مدافعات و نه در مشاورات خود هیچ چیز برخلاف قوانین و مقررات اخلاق و امنیت کشور یا نظم عمومی نگوید و ننویسد و هرگز از احترام محاکم و مقامات عمومی فروگذار ننماید .

مدت کارآموزی از سه سال تا پنج سال بطول می‌انجامد در این مدت کارآموز

کانون وکلای فرانسه

در محاکم حاضر شده استماع محاکمات را مینماید. البته با توجه بکثرت جلسات محاکمات نمیتوان کارآموزان را مجبور ساخت که در تمام جلسات محاکمه شرکت نمایند.

کارآموزان در این دوره باید درس‌خترانی‌های کارآموزی «Conférence du stage» حاضر شوند.

در این جلسات ضمناً نمایش‌های حقوقی که میتوان نام آنرا تقلید محاکم گذارد ترتیب داده میشود و ریاست کانون تعلیمات لازمه را بکارآموزان میدهد و کارآموزان کوشش دارند مقام منشی‌گری این جلسات را که انتخابی است حائز شوند.

مخصوصاً در شهرهایی که حوزه مهمی از کانون‌های وکالتند بالاخص در شهر پاریس رقابت بی‌نظیری در این باره بین کارآموزان وجود دارد.

وقتی کارآموزان دوره کارآموزی را خاتمه دادند نام آنان از صورت اسامی کارآموزان خارج شده وارد صورت اسامی وکلا میگردد یعنی از آن بعد جزء وکلا قلمداد میشوند.

انضباط :

وکیلی که از مقررات کانون وکلا تخلف کند مورد مؤاخذه و مجازات انتظامی قرار میگردد که ممکن است اخطار، توبیخ، تعایق موقت یا تعلیق دائم از شغل وکالت باشد. بدیهی است وکلا حق دارند مانند یک متهم از تمام حقوق متصوره جهت دفاع از خود بهره‌مند شوند. پرونده در اختیار آنان گذارده میشود و میتوانند از یکی از همکاران خود تقاضا کنند دفاع از اتهامشان را بعهده بگیرد.

هیچ چیز برای وکلا از دفاع در مقابل شورای کانون که متصدی دادرسی در مورد اتهام وی می‌باشند مشکل‌تر و ناراحت‌کننده‌تر از آن نیست که یک وکیل قاضی آن دادگاه باشد. تصمیمات شورای کانون قابل شکایت استینافی در محکمه استیناف است.

درجات وکلا :

شورای کانون وکلا در مورد اجازه وکالت و سراقبت‌های انضباطی نقش مهمی را ایفا مینماید زیرا هیچکس بدون اخذ پروانه وکالت حق وکالت را ندارد. هرگاه کانون مربوط بشهری باشد که حوزه قضائی یکی از محاکم استیناف است وکلای آن شهر تحت عنوان وکیل حوزه دادگاه استان آن شهر خوانده میشوند.

و هرگاه حوزه محکمه بدایت است وکلای آن تحت عنوان وکیل کانون آن شهرستان نامیده میشوند در هر حال امتیازات خاصی ندارند و همه یکسان میباشند. بدیهی است که کانون وکلا در شهرهایی از قبیل «Riom» «Douai» «Aix-en-Provence» نسبت بکانون وکلا در شهرهای «Marseilles, Lille, Clermont - Ferrand» دارای اهمیت کمتری میباشد.

وکلا مجاز حق دارند در هر نقطه‌ای از نقاط کشور در دادگاه‌ها طرح دعوی یا دفاع از دعاوی مطروحه نمایند اعم از آنکه دادگاه در داخله فرانسه یادر مستعمرات آن کشور باشد.

کانون وکلای فرانسه

وکلا دادگستری در فرانسه حق انحصاری طرح دعوی در تمام محاکم اعم از مدنی و کیفری و اداری را دارند و بعضی آنکه پروانه وکالت کسب کردند عضو کانون وکلا محسوب می گردند.

وکلا محاکم عالی کشور - « Avocats aux Conseils » :

باوجود آنچه بیان شد بعضی از وکلای فرانسه داری امتیازات خاصه ای میباشند که عبارت از حق شرکت در دیوان عالی کشور « Cour de Cassation » و شورای دولتی (Conseil d'Etat) و محاکم حل اختلاف Tribunal des Conflits است و معمولاً این طبقه از وکلا را وکلای شورای سلطنتی « Avocats aux Conseil du Roi » میخوانند و امروزه آنان را وکلای شورای دولتی و دیوان کشور « Avocats au Conseil d'Etat et à la Cour de Cassation » مینامند.

این وکلا که مقیم پاریس هستند در عین حال دارای یک وظیفه اداری نیز نظیر آنچه مشاورین حقوقی « Avoués » دارا هستند میباشند و این تکلیف بموجب فرمان خاصی به آنان محول میگردد.

تعداد این قبیل وکلا محدود به ۶۰ تن است و حق دارند با پیشنهاد و تصویب ریاست جمهوری فرانسه این سمت را بدیگری تفویض نمایند. در تشکیلات کانون وکلای این ۶۰ نفر عنوان معمولی رؤسای کانونهای وکلا یعنی « Bâtonnier » وجود ندارد بلکه رئیس کانون را « Président » میخوانند شورای کانون وکلای محاکم عالی کشور دارای وظایف انضباطی و اداری نظیر آنچه فوقاً ذکر شد میباشد. این دسته از وکلا اصولاً حق طرح دعوی یا دفاع از دعاوی را در تمام محاکم کشور دارند اما عملاً فقط در محاکم عالی کشور و محاکم اداری وکالت می کنند.

لباس وکلا :

وکلا در محکمه ردائی برتن میکنند که شکل آن یکصد و پنجاه سال است تغییر و تبدیل نیافته است. پوشیدن این لباس مخصوصاً در محاکم جنائی و محاکم بدایت و استیناف الزامی است ولی بعضی از وکلا در سایر محاکم آنرا برتن نمی کنند. کانون وکلای پاریس و کانونهای وکلای غالب شهرهای مهم فرانسه باین لباس کاملاً پای بند و مقید میباشند.

مشاغل شبه وکالت :

در فرانسه غیر از وکلا افراد دیگری نیز وجود دارند که در دستگاه قضائی و در امور دادگستری کشور دارای نقش بالنسبه کم اهمیت تری هستند و بطور کلی مشخصات و خصوصیات آنان با وکلا تفاوت دارد.

اولاً صلاحیت آنان محدود به دفاع از منافع طرفین در محاکمی است که حق دفاع در آنها را دارا باشند یعنی صلاحیت آنان محدود است.

ثانیاً صلاحیت آنان محدود به جانشینانی است که از طرف آنان معرفی شده اند که عبارتند از :

کانون وکلای فرانسه

الف - مشاورین حقوقی « Avoués » که وظیفه خود را مستقلاً انجام میدهند یعنی در مقابل محاکم بدایت و استیناف بدون آنکه حق طرح دعوی را داشته باشند از دعاوی مطروحه موکلین خود تعقیب و دفاع مینمایند.

ب - وکلای محاکم تجارت (مشاورین تجاری) که یکصد و هشتاد نفرند هم طرح دعوی از طرف موکلین خود میکنند وهم در مقابل محاکم تجاری نظیر وکلای دادگستری بطرح دعوی و دفاع از دعاوی مطروحه می پردازند.

ج - مأمورین اجرا « Huissiers » خدمتگزاران جزئی هستند که وظیفه آنان بارعایت شرایط و کیفیات خاصی کمک بمأمورین احضار و اجرای دستورات محاکم عمومی و تجاری است.

د - متصدیان دفاتر اسناد رسمی که ارتباط آنان با دستگاه قضائی مستقیم نیست ولی دارای وظیفه شایان احترامی میباشند صاحبان دفاتر اسناد رسمی صاحب منصبان قضائی هستند که وظیفه اساسی ایشان شکل رسمی دادن بمعاملات و قراردادهای اشخاص است که بصورت طرفین معامله طوعاً یا کرها یعنی برضا و رغبت خود یا بنا باجبار قانون ملزم برعایت تشریفات تنظیم آنها میباشند.

ه - در فرانسه و مخصوصاً در پاریس مشاورین قضائی و کارگزاران تجاری « Agents d'affaires » وجود دارند که نه وکیل و نه وابسته بدستگاه قضائی هستند ولی حوزه فعالیت و عمل آنان تا اندازه ای شباهت بمشاورین حقوقی در انگلستان دارد با این تفاوت که دسترسی مستقیم بمحاکم ندارند و مقررات انضباطی خاصی هم برای آنان وضع نگردیده است. وکلا عموماً با ایندسته مخالفند معهداً گاهی بعضی از وکلا بوسیله آنان کمک و مساعدت میشوند.

موقعیت وکلا :

هر فردی از افراد بشر ذاتاً بوظیفه مقدس دادخواهی که شغل طبیعی و معمولی وکلای دادگستری و قضات است علاقمند میباشد ولی کسی چه میداند که این علاقه و دلبستگی به کجا منتهی میشود.

محیط زندگی افراد بشر تحت تأثیر زور و قدرت است و از اینرو دائماً عدالت از هدف اصلی خود منحرف میگردد. اگر دادگستری از قصور خود غافل باشد و اگر ترجیح دهد که تصور کند کامل است به نقض خود کمک نموده است.

وقتی دادگستری بمرحله کمال میرسد که از اغماض نسبت به عدم تکامل خود هراسان باشد.

قضاوت دورکن اساسی دارد یکی اعتماد بنفس از نظر فهم و درک مسائل و مشکلات و دیگر شک و تردید « Scepticisme » در امور خارجی. این دورکن به فن وکلای دادگستری شکل خاصی میبخشد.

کانون وکلای فرانسه

وکیل دادگستری از مردم تحسین و تمجیدی می بیند که در او ایجاد عجب و خودبینی میکند و با آنکه بخود می بالد انتقاد و عدم موفقیت و بدگوئی را در جلو چشم خود می بیند و احساس می کند که بین تشویق و تحقیر و غرور و خون سردی باید حد وسط را داشته باشد عموماً وقتی نگاهداری این تعادل برای وی ممکن است که متوجه باشد حیثیت اجتماعی او در معرض خطر است بدون تردید این وضع متزلزل برای هر کس و یا لااقل برای کسانی که حس راحت طلبی و خود پرستی دارند توفیق و تأییدی الهی است وکلای دادگستری از این نعمت برخوردارند زیرا بمنظور حصول اطمینان کامل از ثبات موفقیت خود همیشه وضع خود را متزلزل می بیند و از اینرو لاینقطع هوشیار و خبردار میباشند.

وضع متزلزل وکلا از بدو شروع آنان بکار ایجاد میشود . چگونه یک وکیل جوان میتواند تشخیص دهد صلاحیت و شایستگی کامل برای وکالت دارد .

ویکتور هوگو «Victor Hugu» وقتی که خود عضویت شورای عالی فرانسه را داشته است در یکی از نوشته های خود بدین شرح توصیف وکیلی را کرده است :

« مارکی دوبه «Marquis de B» اطمینان و آراش و اعتماد بنفس داشت . خوش صدا و خوش بیان و بذله گو بود خون سردی و بطور خلاصه تمام لوازم یک فرد خطیب را دارا بود .

چه بسا کارآموزانی که پس از شروع بوکالت فهمیده اند بسیاری از صفات لازمه شغل وکالت را فاقد می باشند حتی اگر استعداد را به هیچ انگاریم برای اشتغال بوکالت استعداد خطابه و سخنرانی از لوازم اولیه است .

کسیکه خود را شایسته مقام وکالت دادگستری می پندارد هر گاه فاقد قوه استنباط و قدرت تخیل برای کشف حقایق نهفته باشد نمیتواند صرفاً باتکاء اطلاعات حقوقی و فنی خود تحصیل موفقیتی کند .

چندسال (پنج یا ده یا حداکثر پانزده سال) باید بگذرد تا وکیل بدرجه ارزش خود پی برد و آنوقت تعجب خواهد کرد که به بیند حس کنجکاوی یا صداقت یا امانت یا اطلاعات وسیع قضائی یا قدرت فعالیت و جنب و جوش او نیست که بوی مقام و موقعیتی بخشیده است بلکه عامل غیر قابل درک سرعت انتقال است که وکیل را از غالب ورطه های هولناک تخلفات انتظامی مثل تندروی ، تنبلی ، غفلت ، شدت عمل یا اظهار ضعف فوق العاده که ممکنست وکیل را در معرض مسئولیت های فوق العاده قرار دهد نجات بخشد .

وکیل مانند یک جراح یا قهرمانی که در مسابقه مهمی شرکت کرده است همیشه می کوشد تا لیاقت و شایستگی خود را ابراز دارد . برای وکلای دادگستری کوچکترین کار وکالتی تجربه ای گرانبهاست زیرا در وکالت هر اقدامی جنبه فنی دارد و نتیجه اتخاذ هر تصمیمی طبیعت خاصی دارد و نتایج مثبت اقدامات هر وکیل دادگستری موقعیت و مقام اجتماعی او را مشخص و معین میسازد . اهمیت موقعیت وکیل در محاکماتی ظاهر میشود که مردم عادی هیچ از آن درک نمی کنند و بهمین سبب محکوم میشوند .

کانون وکلای فرانسه

بطور کلی وکلای فرانسه اشخاص ثروتمندی نیستند. پاسخ بریه «Beryer» مشهور است. وی از مهمترین وکلای عصر خود در فرانسه و شاید بتوان گفت از خطبای معروف جهان بود. در سال ۱۸۶۴ میلادی وکلای دادگستری انگلستان بریاست گلاستون «Gladeston» ضیافت مهمی بافتخار وی ترتیب دادند. وی در مشهورترین و مهمترین قضایا طرح دعوی و دفاع کرده بود وقتی اظهار تعجب شد که چرا ثروتی نیاندوخته است گفت: « زیرا که برای اندوختن ثروت لازم بوده است تن بزندگی پست و فقیرانه‌ای داده باشم ».

جواب بریه یک مثال استثنائی نیست. تعداد وکلای که حق الوکاله‌های کلان نصیبشان میشود کم است. دولت از وکلا مالیات زیادی میگیرد و معمولاً آنچه را که برای آنان باقی میگذارد خودشان مصرف می‌کنند شئون اجتماعی وکلا ایجاب می‌کند که زندگی تجملی و آبرومندی داشته باشند.

حوزه‌های کانون‌های وکلای شهرهای مختلف فرانسه شرایط متفاوتی دارند. در پاریس و در شهرهای بزرگ معمولاً توده‌های وسیعی از کارگران وجود دارد که چون سیستم امنیت اجتماعی فرانسه درباره آنان غیر قابل اجرا است وکلای می‌توانند کمیکی به آنان بکنند. از طرفی تعداد وکلا هم زیاد است از این رو کسب شهرت برای آنان فوق العاده مشکل بنظر میرسد. شایسته نیست که با وضع شرایط سخت و مقررات نامتناسب از افزایش تعداد وکلا جلوگیری بعمل آورد بلکه تنها نتایج حاصله از رقابت آزاد است که باعث میشود باب سعادت و نیکبختی بروی با استعدادترین افراد مفتوح گردد.

وکلای دادگستری را می‌توان اشخاصی نامید که طالب شهرتند و جلب مشتری می‌کنند ولی هرگز برای وصول باین مقصود از شاهراه عفاف و پاکدامنی و شرافت خارج نمی‌گردند وکیل ممکن است قاضی را سه بار فریب دهد ولی نمیتواند موکل خود را پیش از یکبار فریب دهد.

هیچ وکیلی نمی‌تواند معصوم باشد کما اینکه هیچ قاضی نمیتواند عصمت و بی‌گناهی خود را حفظ کند. قانون بالذات مبهم و پیچیده است. حقیقت بشری متغیر است و بقول پاسکال «Pascal» عدالت گیج کننده است.

لوئی بروژلی Louis de Broglie مینویسد «قضایات کنجکاوی علمی و عظیم و پردردسری است که پایان پذیر نیست...» بنابراین چرا ما باید در جستجوی عدالت واقعی باشیم در حالیکه هنوز واقعیت علوم را نتوانسته‌ایم کشف کنیم.